

هشت مرحله تا ابرقدرتی

نقش راهبردی رهبری در ریل‌گذاری مسیر پیشرفت ایران

مقدمه؛

ایران عصر صفویه

اقتصاد ایران از دوران باستان تا کنون، فراز و فرودهای متعددی را طی کرده است. از دیرباز، تولیدات صنعتی شهرهای ایران، متنوع و مرغوب بود. ایران تقریباً شرایط خوبی برای دست یافتن به یک تجارت گسترده و پیشرفته را داشت؛ خاک خوب، نزدیکی به دریا و شهرهای بندری، اراضی حاصلخیز، معادن غنی و... شهرهای ایران، خصوصاً آنها که بر سر راه های تجاری قرار داشتند، با وجود توسعه نیافتگی راه‌ها، از استعداد صنعتی و بازرگانی زیادی برخوردار بودند.^۱

ریشه فعالیت‌های صنعتی ایران به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی که مقارن با حکومت سلسله صفویه می‌باشد، بازمی‌گردد. ایران در آن دوره، کشوری صنعتی محسوب می‌گردید و کالاهای تولید شده توسط صنایع دستی آن به کشورهای دیگر صادر می‌شد. صنعت بومی ایران و رشته های وابسته به آن به ویژه در دوره صفویه و در هنگام سلطنت شاه عباس اول در اوج پیشرفت قرار داشت.^۲

وابستگی و هزینه های غیر قابل تحمل آن

دوران قاجار

در ایران عصر قاجار، به ویژه در بعد از جنگ های ایران و روس، فرصتی برای اصلاحات از بالا به دست عباس میرزا^۳ فراهم شد. در این برهه از زمان، وضعیت اقتصاد و دولت مرکزی هر دو ضعیف بودند. همچنین به دنبال شکست های نظامی ایران از روسیه و تحمیل قراردادهای گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) و نیز معاهده بازرگانی ایران و انگلیس در سال ۱۸۴۱، نفوذ دولت های استعمارگر در امور اقتصادی ایران افزایش یافت. آنها و بازرگانان اروپایی به کسب امتیازهای سیاسی و تجاری در ایران نائل شدند و این امتیازها، اسبابی را برای نفوذ به درون اقتصاد ایران فراهم نمود.

سرتاسر عهدنامه های سیاسی و تجاری این دوران، به ضرر تجارت و سرمایه داری تجاری و صنعتی ایران تمام شد. طبق عهدنامه ترکمانچای، حق گرفتن فقط ۵ درصد وجه گمرک از کالاهای روسی متداول شد که چنین حقی را بعدها انگلیس، فرانسه، آمریکا و سایر دولت های اروپایی نیز برای تجار خود از ایران گرفتند. این درحالی بود که تجار

^۱ محمد علی جمال زاده، گنج شایگان، اوضاع اقتصادی ایران، ص ۵.

^۲ راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، ص ۱۶۹.

^۳ ولیعهد ایران در فاصله سال های ۱۷۹۹ تا ۱۸۳۳ م.

ایران، علاوه بر گمرکات، در شهرهای مختلف هم باید به راهداری ها مبالغی پرداخته و این رسم گرفتن ۵ درصد گمرک از کالاهای خارجی باعث فلاکت تجار ایرانی و وفور مصنوعات ارزان قیمت خارجی در ایران شد. انگلیس ها از اواسط قرن نوزدهم، به واسطه امتیازات گسترده ای که از دولت ایران گرفتند_ که حداقل ۳۵ مورد آنها همراه با پرداخت رشوه های کلان به مقامات ایرانی بود_ نفوذ گسترده ای در اقتصاد ایران پیدا کردند. آنها در سال ۱۸۶۲ امتیاز ایجاد خطوط تلگرافی و در سال ۱۸۷۲ امتیاز کشیدن راه آهن از دریای خزر تا خلیج فارس، استخراج معادن، تأسیس بانک، ساخت آسیاب، کارخانجات، راه، کشیدن تلگراف و اداره گمرکات را در قالب قرارداد رویترا، به مدت ۲۵ سال در اختیار گرفتند. پادشاه ایران با اعتراض روس ها به امتیاز رویترا، در سال ۱۸۷۴ امتیاز تأسیس خط آهن را به روس ها واگذار کرد. در سال ۱۸۷۸ شاه، قزاق خانه را به دولت روس واگذار و به استخدام افسران روسی برای لشکر قزاق پرداخت. سپس در سال ۱۸۸۸ انگلیسی ها امتیاز کشتیرانی در کارون را به دست آوردند و در سال ۱۸۸۹ امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی با حق انحصاری انتشار اسکناس را کسب کردند. در سال ۱۸۹۰ روس ها امتیاز بانک استقراری را از دولت ایران گرفتند. در همین سال انگلیسی ها امتیاز تولید، فروش و صادرات توتون و تنباکو را به دست آوردند و در سال ۱۹۰۱ امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت را به خود اختصاص دادند. به سبب این امتیازات _ که تعداد آنها ۳۸ مورد است _، تجارت خارجی ایران در دوره قاجار در عمل در دست دولت های بزرگ قرار گرفت.

دوران پهلوی: رشد تصنعی و وارونه صنعت

سهم صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد بود و به مراتب از سهم خدمات (۳۵ درصد) و نفت (۳۵ درصد) در ۱۹۷۷-۱۹۷۸ میلادی [۱۳۵۶ و ۱۳۵۷] کمتر می شد و دیگر اینکه، صادرات صنعتی غیر نفتی تنها ۲ تا ۳ درصد همه صادرات ایران را در سال ۱۹۷۵ میلادی [۱۳۵۴ شمسی] تشکیل می داد که در مقایسه با کشورهای مثل هندوستان (بیش از ۵۰ درصد)، سنگاپور (۶۰ درصد) و مکزیک (۳۳ درصد) بسیار ناچیز می نمود. صنایع اصلی اتومبیل و لوازم برقی اساساً صنایع «آچاری» بودند بدین معنی که اکثر قطعات و اجزا را از خارج می آوردند و در داخل، آنها را مونتاژ می کردند. لذا ارزش افزوده کمی داشتند و فقط مقدار بسیار کمی به ارزش نهایی آنها افزوده می شد. شرکت های دارویی اغلب مواد دارویی و حتی وسایل بسته بندی دارو را از خارج می آوردند. به گفته یکی از مدیران فراری شرکت دارویی خارجی بسیار بزرگ، کارخانه او در ایران «چیزی بیش از یک انبار بزرگ دارو نبود». در سال ۱۹۷۸ میلادی [۱۳۵۷ شمسی]، شرکت های دارویی ۸۵ تا ۱۰۰ درصد به مواد دارویی وارداتی اتکا داشتند. برای شرکت های شیمیایی میزان این وابستگی ۶۰ تا ۱۰۰ درصد، برای بافندگی ۸۰ درصد (ماشین ها)؛ بعضی صنایع غذایی ۷۱ درصد و پاره ای مصالح ساختمانی ۵۷ درصد بود.

بر اساس آنچه آمار نشان می دهد می توان گفت طرح های صنعتی و اصلاحات محمدرضا پهلوی در بخش کشاورزی هرگز نتوانست صادرات غیر نفتی کشور را سر و سامان دهد. با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، صادرات غیر نفتی از ۲۳ درصد در سال ۱۳۴۱ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۵۱ رسید؛ در سال ۵۶ وضع بسیار وخیم تر شد به گونه

ای که صادرات غیر نفتی تنها ۲ درصد از کل صادرات ایران را به خود اختصاص می‌داد. در این بین نابودی کشاورزی به دنبال اصلاحات ارضی تأثیر بسزایی در رشد واردات و کاهش صادرات غیر نفتی داشت. در چند قدمی «دروازه های تمدن بزرگ»^۱ تمامی تولیدات کشاورزی و صنعتی بر روی هم تنها حدود یک پنجم کل تولید ملی «ژاپن خاورمیانه» بود^۲.

گام اول؛ استقلال سیاسی

تجربه کشورهای دیگر

آمریکای استعمارگر؛ مستعمره بریتانیا

سرزمین ایالات متحده پیش از استقلال و اعلام موجودیت سیاسی، تحت استعمار بریتانیای کبیر بود. ساکنان آمریکای شمالی، که خود از اروپا و اغلب از بریتانیا به این قاره مهاجرت کرده بودند، تحمل نداشتند که دولت بریتانیا به شیوه سایر مستعمرات با آنان برخورد کند. آنها مانند بقیه مستعمره ها به بریتانیا مالیات پرداخت کرده و از قوانین وضع شده دولت بریتانیا تبعیت می‌کردند. در سال های میانی قرن ۱۸، انگلیسی ها محدودیت های تحمیلی بر مستعمرات خود را به اوج رساندند و مالیات های جدیدی بر آنان وضع نمودند. مستعمره نشین های آمریکای شمالی نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

از طرف دیگر دولت بریتانیا برای حمایت از تولیدات داخلی خود در برابر کالای تولیدی کشورهای دیگر، جلوی تولید کالاهایی که با محصولات آن رقابت می‌کردند را در مستعمرات خود می‌گرفت. در این دوره بریتانیا مقررات متعددی را برای محدود کردن توان آمریکا در تولید کالا و وادار کردن آنها به تکیه بر واردات از بریتانیا به اجرا در آورد. این مقررات شامل منع آمریکا از تعرفه گذاری گمرکی برای حفاظت از صنایع داخلی، ممانعت از صادرات کشور محصولات که با کالاهای بریتانیایی رقابت می‌کردند و محدودیت های آشکار بر هر آنچه که آمریکایی ها می‌توانستند بسازند بود.

خلاصه این محدودیت ها را ویلیام پیت بزرگ، نخست وزیر وقت بریتانیا اینگونه بیان می‌کند:

«مستعمرات آمریکایی نباید اجازه داشته باشند هیچ کالایی تولید کنند. حتی یک میخ نعل اسب!!!»

انقلاب؛ تنها چاره آمریکایی ها

مستعمره نشینان آمریکای شمالی برای مقابله با محدودیت های تحمیلی بریتانیا علیه این کشور شورش کرده، جنگ استقلال آمریکا را آغاز کردند. این جنگ در سال ۱۷۷۵ میلادی آغاز شد و ۸ سال به طول انجامید. در مرحله

^۱ ادعایی که محمدرضا پهلوی به شدت از آن سخن می‌گفت.

^۲ صعود چهل ساله ۲، ص ۱۲۷ و ۱۲۸

این جنگ که به رهبری جورج واشنگتن انجام شد، ارتش مستعمره نشینان منسجم و در چند نقطه از منطقه با ارتش بریتانیا وارد جنگ شد. در همین مرحله آمریکایی ها بیانیه استقلال خود را به جهانیان اعلام کردند. در مرحله دو جنگ استقلال، گستره درگیری ها در مناطق دیگر آمریکا هم وسعت پیدا کرد. در این مرحله آمریکایی ها، شکست های سنگینی را تجربه کردند و از سوی دیگر پیروزی های مهمی نیز به دست آوردند. رقبای بریتانیا به حمایت از استقلال آمریکا و جدا شدن آن از بریتانیا برخاستند و ارتش آمریکا را پشتیبانی کردند. کشورهای اسپانیا، فرانسه و هلند علاوه بر پشتیبانی تسلیحاتی، آمریکایی ها را از پشتیبانی مالی خود نیز بهره مند ساختند. در مرحله سوم و آخر جنگ آمریکایی ها که باتکتیک های جنگ نامتقارن، ارتش بریتانیا را به ستوه آورده بودند، این کشور را وادار به مذاکره برای صلح کردند و بالاخره در سال ۱۷۸۳ میلادی طی قرارداد پاریس، بریتانیا، مجبور به پذیرش استقلال آمریکا شد.

موارد پیشرفت در این گام

در طول ۲۰۰ سال قبل از انقلاب، کشور در وضعیتی قرار گرفته بود که رژیم های سابق برای بقای خود احساس می کردند وابستگی به ابر قدرت ها ضرورت دارد و در مواردی باج دادن اجتناب ناپذیر است. مهمترین نکته ای که روشنفکران، روحانیون و عموم مردم را رنج می داد، عدم استقلال و وابستگی کشور به بیگانگان بود. لذا این عناصر در سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار یک حکومت مستقل متحد شدند و خط پایانی بر عدم استقلال و وابستگی کشور کشیدند.

امام خمینی از سال ۴۱ به طور آشکارا وارد عرصه مبارزه شدند و روی موضوع استقلال چنان پای فشردند که در اوج انقلاب، استقلال در کنار آزادی و جمهوری اسلامی جزء شعار های اصلی انقلاب قرار گرفت. از نظر حضرت امام، استقلال دارای ۲ بُعد سلبی و ایجابی است.

بُعد سلبی استقلال

استقلال سلبی همان استعمار زدایی است که زمینه ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می گردد. امام راحل یکی از اهداف انقلاب اسلامی را «قطع دست اجانب از مملکت اسلامی»، قطع ریشه های وابستگی، رفع سلطه و ضعف و سستی و زبونی در مقابل استعمار، جلوگیری از استثمار و استعباد و قطع منافع و مطامع استعمارگران و در یک کلام استقلال از استعمار خارجی تلقی می نماید. امام خمینی ضمن تأیید «ماهیت ضد استعماری» نهضت، هدف انقلاب اسلامی را خارج شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و در نهایت «شکست ابر قدرتها» می داند. در این رابطه، حضرت امام نه تنها بر کوتاه کردن دست جنایتکاران خارجی و به انزوا کشیدن قدرت های استعماری در جهان که بر مقابله با ایادی منطقه ای امپریالیسم به ویژه صهیونیسم تأکیدی ویژه دارند.

بُعد ایجابی استقلال

در رابطه با استقلال ایجابی، امام خمینی هدف انقلاب اسلامی را تأمین استقلال در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری می‌داند. ایشان سپردن کار به کاردانان وطن خواه امین، خودکفایی و اختصاص مخازن و منابع کشور به مردم و استقلال فکری و مراکز آموزشی را از پیش شرط های لازم برای تحقق استقلال می‌دانند.

امام خمینی عامل فروپاشی حکومت پهلوی را عدم اتکا به قدرت ملت و اتکا به بیگانگان می‌داند و معتقد است که عامل قیام اسلامی همانا وابستگی فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی رژیم پهلوی به بیگانگان، دخالت اجانب در امور داخلی مملکت، اتکا رژیم به خارجی و بیگانه، وابستگی عمال مملکت به استعمارگران و عدم اتکا به قدرت مردم و فقدان مشروعیت به دلیل حمایت بیگانگان بوده است. از این رو، تکیه رژیم شاه به استعمار خارجی و از دست دادن پایگاه ملی موجب انحطاط اقتصاد مملکت، نابودی سرمایه انسانی و مادی، تاراج خزائن مملکت، استثمار ذخایر و نابسامانی وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران گردید که این مهم موجبات بروز قیام را برای دستیابی به استقلال در معنای اراده آزاد تصمیم گیری در سیاست های داخلی و خارجی فراهم آورد.

نقش رهبری

ریل گذاری: پایه گذاری مسیر با دکترین استقلال طلبانه امام خمینی (رحمت الله علیه)

در متن گذشته توضیح داده شد

نظارت بحران: مدیریت قاطع آیت الله خامنه ای در بحران میکونوس (۱۳۷۶) و اصرار بر قانون در فتنه ۸۸ برای حفظ جمهوریت

گام دوم؛ تقویت نظامی و عبور از بحران ها

تجربه کشورهای دیگر

بریتانیا حتی پس از رسمیت یافتن استقلال ایالات متحده، دست از تلاش برای به چالش کشیدن و از بین بردن آن نکشید. برخی از اقدامات بریتانیا علیه انقلاب مردم آمریکا، که برای این کشور هزینه های بالایی ایجاد کرد، اما حرکت آنان را متوقف نساخت، عبارت اند از:

- دست گیری ملوانان آمریکایی و الحاق آنان به نیروی دریایی بریتانیا، که این مسئله یکی از علل آغاز جنگ بین دو کشور در سال میلادی بود.
- حمایت از قبایل سرخ پوستان بومی آمریکا در برابر گسترش حاکمیت ایالات متحده بر آمریکای شمالی که جنگ تکامسه و جنگ کریک را بر ایالات محده تحمیل کردند.
- تحریم و فشار اقتصادی بر ایالات متحده، به خصوص در دوره جنگ های ناپلئونی که بریتانیا، کشور فرانسه و متحدان تجاری آن را تحریم کرد و به تجارت آمریکا نیز صدمات زیادی وارد کرد.

- حمله نظامی مستقیم به ایالات متحده و آغاز جنگ در سال ۱۸۱۲ میلادی که طی آن سربازان بریتانیا، واشنگتن دی سی را در آتش سوزاندند و به بالتیمور نیواورلئان و دیگر شهرها حمله کردند. این جنگ بدون برنده به پایان رسید، اما حس ملی گرایی و اعتماد به نفس ملی را در مردم آمریکا به اوج رساند.
- کمک سیاسی، مالی و تسلیحاتی غیر مستقیم به کنفدراسیون ایالت های تجزیه طلب جنوبی در جنگ داخلی خونین آمریکا بین سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ در عین اینکه بریتانیا در این جنگ اعلام بی طرفی کرده بود. ایالات متحده برای مقابله با تهدیدهای نظامی بریتانیا از چند طریق اقدام به قدرتمندسازی نیروی نظامی خود کرد:
- توسعه و تقویت نیروی دریایی از اولین اقدامات ایالات متحده بود که به آنان قدرت تأمین امنیت کشتی های تجاری آمریکایی و به چالش کشیدن برتری نیروی دریایی بریتانیا را اعطا کرد. آمریکایی ها هم چنین اولین کشتی با موتور بخار را در سال ۱۸۱۴ میلادی ساختند.
- توسعه و بکارگیری تسلیحات و تاکتیک های نوآورانه مانند تفنگ «کنتاکی» که دقت و برد بالاتری از تفنگ های بریتانیایی داشت.
- شیوه جنگ پارتیزانی و نا منظم برای به ستوه آوردن ارتش بریتانیا، دیگر اقدام آمریکایی ها برای تقویت نیروی نظامی خود بود.
- آمریکایی ها برای مقابله نظامی با بریتانیا از حمایت های نظامی فرانسه نیز بهره بردند.
- عامل مهم دیگر، تقویت حس ملی گرایی، میهن پرستی و بسیج عمومی نیروی انسانی و امکانات برای جنگ بود. آنها برای مشارکت دادن مردم در تأمین هزینه های جنگ نیز اوراق قرضه منتشر کردند و از سرمایه مردم خود برای تأمین مالی جنگ بهره بردند.

موارد پیشرفت در این گام

تغییر دکترین دفاعی از مصرف کننده وابسته به تولید کننده بومی و صادر کننده

ارتش دوران محمدرضا یهلوی در حقیقت یک «سرویس دفاعی اجاره ای» بود. شاه میلیاردها دلار از پول نفت را صرف خرید مدرن ترین سخت افزارهای نظامی مانند جنگنده های (F-۱۴) کرد، اما آمریکایی ها از انتقال «مغزافزار» و دانش فنی به ایرانی ها جلوگیری کردند. در این ساختار، تعمیر، نگهداری و حتی هدایت راداری این تجهیزات پیشرفته کاملاً در اختیار مستشاران آمریکایی بود و نیروهای ایرانی صرفاً نقش «اپراتورهای ساده ای» را داشتند که اجازه دخالت در امور فنی را نداشتند. تمثیل برای درک بهتر: ارتش آن زمان مانند خودروی فوق پیشرفته ای بود که در پارکینگ شماس و هزینه سنگین نگهداری اش را هم شما می پردازید؛ اما راننده، مکانیک و بنزین آن در دست همسایه است. شما صاحب خودرو هستید، اما هر زمان که همسایه اراده کند و راننده یا سوخت را تأمین نکند، آن خودروی گران قیمت به توده ای از آهن پاره بی مصرف تبدیل می شود.

گزارش رابرت منتل: سند رسمی ناتوانی ارتش در سال ۱۳۹۴، زمانی که برخی سناتورهای آمریکایی از حجم زیاد سلاح های ارسالی به ایران نگران بودند، رابرت منتل پس از بررسی دقیق میدانی، خیال آن ها را راحت کرد. او در گزارش خود به سنا تأکید کرد که این سلاحها هرگز علیه منافع آمریکا به کار نخواهد رفت، چون:

«ایران حتی اگر بخواهد، بدون حمایت روز به روز و لحظه ای ایالات متحده، نمی تواند بیش از چند روز در یک جنگ واقعی دوام بیاورد.»

این یعنی ارتش ایران نه برای دفاع از مرزهای خود به صورت مستقل، بلکه به عنوان بخشی از شبکه دفاعی آمریکا در منطقه (برای مقابله با شوروی) طراحی شده بود.

استقلال ملی بدون قدرت دفاعی درون زا، تنها یک شعار است. تجربه تلخ دوران پهلوی به ما آموخت که یک ارتش وابسته هرچقدر هم که در ظاهر مجهز باشد، در روز واقعه فلج است. وابستگی ساختاری آن دوران باعث شد که در آغاز جنگ تحمیلی، ایران حتی برای تهیه سیم خاردار هم به بیگانگان محتاج باشد و استکبار حتی از دادن همین ابزار ساده به ما دریغ می کرد. این دقیقاً همان نقطه ای است که وابستگی، موجودیت یک ملت را به خطر می اندازد. اما جمهوری اسلامی، با درک این واقعیت تاریخی، مسیر سخت اما حیاتی استقلال نظامی را برگزید. سال ها دشمنان با غرور، تصاویر موشک های ایرانی را فتوشاپ و ماکت های مقوایی می نامیدند؛ اما متخصصان آنها در خفا، شاهد تولد یک قدرت جدید بودند. تبدیل راکت های ساده به موشک های هوشمند و نقطه زنی مثل فاتح ۱۱۰، تنها یک پیشرفت نظامی نبود، بلکه نشان دهنده تسلط بر لبه ی دانش آیرودینامیک^۱ و الکترونیک جهان در اوج تحریم ها بود. اوج این اقتدار را باید در اعتراف دشمن ترین دشمنان شنید. یوزی رایین، ملقب به پدر پدافند موشکی اسرائیل و معمار سامانه آرو^۲، وقتی اسلاید موشک های ایرانی را برای کارشناسان پنتاگون به نمایش گذاشت، در مقابل واقعیت فنی چاره ای جز تسلیم نداشت. او با صراحت اعلام کرد:

من یک مهندس هستم و باید بگویم ایرانی ها کارشان را عالی انجام داده اند. من به احترام کسانی که این سیستم موشکی را ساخته اند، کلاه از سر برمی دارم

این کلاه از سر برداشتن دشمن، نه از روی دوستی، بلکه از احترام اجباری به قدرتی است که دیگر نمی توان آن را نادیده گرفت. امروز موشک ها و پهپادهای بومی ما، تضمین کننده این واقعیت هستند که دیگر هیچ قدرتی جرأت نمی کند بر سر استقلال این مرز و بوم معامله کند.

ایجاد عمق راهبردی و خنثی سازی طرح خاورمیانه جدید

^۱ آیرودینامیک دانشی است که به مطالعه اجسام متحرک در هوا و یا هوای متحرک اطراف اجسام می پردازد.

^۲ سامانه ضد بالستیک پیکان (به انگلیسی: آرو – به عبری: ختس) مجموعه ای از موشک های ضد بالستیک است که به صورت مشترک توسط رژیم اسرائیل و ایالات متحده آمریکا توسعه، تامین مالی و تولید شده است. این سامانه موثرترین و قوی ترین سیستم ضد بالستیک رژیم صهیونیستی محسوب می شود و به صورت ویژه برای مقابله با موشک های بالستیک ایران توسعه یافته است.

پیروزی در جنگ ۱۲ روزه و تحمیل آتش بس با پاسخ موشکی به پایگاه العدید

نقش رهبری

تزریق جسارت (دستور باز کردن موشک ها)

پایه گذار صنعت موشکی کشور مقام معظم رهبری است. یعنی در اولین جلسه‌ای که در باغ شیان آن زمان در دوره‌ی وزارت سپاه شکل گرفت که ما دو فرزند موشک را از مجموعه‌ی موجودی هشت فروندی جدا کرده بودیم و داده بودیم به عزیزان متخصص وزارت سپاه که این‌ها مهندسی معکوس کنند، در همان ماه‌های نخست، خود حضرت آقا که آن روز رئیس‌جمهور بودند، بازدید کردند و در جلسه شرکت کردند، تدابیرشان را همان‌جا مطرح کردند. رزمایشی در همان دوره‌ی جنگ گذاشته بودیم برای موشکی، خود ایشان حضور یافتند و بازدید کردند و دائماً این موضوع را دنبال کردند. یعنی همان موقع تصمیم سختی بود که شما هشت تا موشک دارید، دو تا را بردارید ببرید مهندسی معکوس. اولین ایرادی هم که آن روز گرفتند، این بود که گفتند: «چرا این‌ها را باز نکردید؟»

متخصصین دنبال این بودند که یک مقدار با احتیاط عمل کنند و نگران بودند، یک مقدار ترس داشتند که چی بشود، این جسارت را حضرت آقا پمپاژ کردند به آن‌ها که: «بروید و نگران نباشید و سریع آن‌ها را باز کنید. اگر باز نکنید، فردا نیاز جبهه‌ها زیاد بشود، ممکن است همین را هم ببیند ببرند و دوباره از شما بگیرند. باز کنید و شروع کنید کار را.» در مقاطع مختلف نیز باتوجه به نیاز کشور، همین‌طوری کار را می‌بردند جلو. می‌گفتند: «باید خودکفا بشویم. اتکاءمان باید به داخل باشد.»^۱

راوی: پاسدار شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرماندهی سابق نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تغییر ریل (دستور ساخت ناوشکن جماران)

آن‌ها چیزی را که همه می‌گفتند نمی‌توان ساخت، بدون کمک بقیه ساختند؛ اما او به آن‌ها گفت: «کار بزرگی نیست!» بهمن سال ۱۳۸۸ بود. او برای دیدن مراسم به آب‌انداختن ناوشکن «جماران» که سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، آن را ساخته بود، به بندرعباس رفته بود. او فرمان ساخت این غول‌پیکر دریایی را در سال ۱۳۷۶ و هنگامی که از نمایشگاهی در کارخانه‌های نیروی دریایی راهبردی ارتش بازدید می‌کرد، صادر کرده بود و به آن‌ها گفته بود: «ناوشکن بسازید؛ آن هم با قابلیت حمل بالگرد و پرتاب موشک!»

در آن زمان، نیروی دریایی ایران در زمینه‌ی ادوات، فقط در حد سامانه و سیستم بود و تنها کار راهبری و تعمیرات ناوها را انجام می‌داد و همه‌ی تجهیزات مورد نیازش وارداتی بود. حتی برای خود فرماندهان نیروی دریایی، ساخت ناوشکن، افقی دوردست بود؛ چه برسد به ساخت ناوشکن با قابلیت‌های موشک‌اندازی و حمل بالگرد! اما پس از

فرمان او، نیروهای دریایی دست به کار شده بودند و حالا پس از ۱۲ سال توانسته بودند بدون کمک خارجی، ناوشکن کاملاً ایرانی جماران را به دست متخصصین داخلی بسازند.^۱

او وقتی شناور شدن جماران در خلیج فارس و ملحق شدن آن به ناوگان نیروی دریایی ارتش را دید، گفت: «بعضی‌ها بودند که به نظرشان می‌رسید این کار شدنی نیست. نه فقط شدنی بود، بلکه نسبت به هم‌تی که امروز شما برای کارهای بزرگ دارید، این یک کار چندان بزرگی هم به حساب نمی‌آید!» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰)

به حقیقت، آیت‌الله خامنه‌ای به ظرفیت‌ها و شایستگی‌های نیروی انسانی ایرانی ایمان داشت و همین اعتقاد راسخ بود که دیدگان آسمانی او را هم‌چنان رو به چشم‌اندازهای روشن برای ملت ایران دوخته است.

گام سوم؛ پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناورانه

تجربه کشورهای دیگر

آمریکایی‌ها، که به دلیل وابستگی به محصولات فتآورانه بریتانیا هزینه‌های زیادی متحمل شده بودند، تصمیم به پرکردن شکاف دانشی بین خود و بریتانیا گرفتند. آنها به خوبی دریافته بودند که اولین گام رسیدن به قدرت علمی، گسترش آموزش عمومی در سراسر کشور است. این مسئله در اساس نامه ایالت‌های آمریکا نیز به چشم می‌خورد. در اساس نامه ایالت ماساچوست آمده: «عقل و دانش در کنارایمانی که بین مردم منتشر شده است، برای حفظ حقوق و آزادی‌های آنها ضروری است». ثمره این تفکر انقلابی، سیل سخنرانی‌ها و نوشته‌ها درباره اهمیت آموزش بود که به ندرت در تاریخ آمریکا مشابه آن اتفاق افتاده است. بدین ترتیب علم آموزی در فرهنگ مردم آمریکا، همراه با انقلاب متولد شد. تا سال ۱۷۷۰ میلادی تنها ۹ کالج در آمریکا وجود داشت. اما در ۲۸ سال اول انقلاب، ۱۶ کالج دیگر نیز تأسیس شد. در همان زمان بسیاری از رهبران انقلاب برنامه‌های مفصلی را برای ایجاد سیستم‌های مدارس جامع با حمایت دولتی، طراحی کردند. البته تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها تنها بخشی از آرمان انقلابیون بود. آمریکایی‌ها سازمان‌های علمی و انجمن‌های پزشکی متعددی تشکیل دادند و کشور را در کتب و مقالات چاپ شده خودشان غرق کردند. سه چهارم تمام کتاب‌های منتشر شده در بین سال‌های ۱۲۳۷ تا ۱۸۰۰ میلادی در آمریکا، در ۳۵ سال پایانی قرن ۱۸، یعنی سالهای اولیه انقلاب، چاپ شده بود. بین سال‌های ۱۷۸۶ تا ۱۷۹۵ میلادی و تنها در ۹ سال، ۲۸ مجله علمی تأسیس شد؛ در حالی که کل مجله‌های علمی که در دوره استعمار تأسیس شده بود، ۲۲ عدد بود. در سال‌های پس از انقلاب چاپ روزنامه و علاقه مردم به روزنامه خوانی نیز اوج گرفت و آنان را به روزنامه خوان‌ترین مردم دنیا تبدیل کرد. روحیه علم آموزی و یادگیری مهارت چنان در مردم آمریکا اوج گرفت که در سال‌های بعد، آنان به یکی از پیشگامان موج دوم انقلاب صنعتی تبدیل شدند و دانشمندان بزرگی

را به جهان معرفی کردند؛ افرادی مانند توماس ادیسون، الکساندر گراهام بل، نیکلا تسلا و بسیاری از نوآوری های علمی، مانند اتومبیل، دوربین عکاسی، تلفن، لامپ برقی و...

موارد پیشرفت در این گام

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی، ایران مسیری را برای توسعه و پیشرفت انتخاب کرد که قبل از آن سایر کشورهای توسعه یافته آن را پیموده بودند. ایران بعد از انقلاب، مانند سایر کشورهای پیشرفته در حال سپری کردن چهار مرحله پیشرفت علمی-دانشگاهی است:

مرحله اول: آموزش محوری، مرحله ی نخست علمی همه ی دانشگاه های دنیاست؛ به این صورت که فقط زیرساختها شکل گرفته و دانشجو جذب می شود و آموزش می بیند.

مرحله دوم: پس از مرحله ی آموزش محوری، مرحله ی پژوهش محوری آغاز می شود. در این مرحله دانشجویان با استفاده از آموزش های فراگرفته شده، اقدام به پژوهش کرده و تولید مقاله میکنند.

مرحله سوم: در مرحله ی بعد، دانشگاه پژوهش محور، تبدیل به دانشگاه فناور می شود؛ باین توضیح که مقالات از جنبه ی علمی صرف، به مرحله ی عملیاتی و تولید فناوری ارتقا می یابد.

مرحله چهارم: در این مرحله، فناوری تولیدشده در دانشگاهها در عرصه ی اقتصاد اثر گذاری کرده و منتهی به ایجاد اشتغال و افزودن ثروت ملی میگردد. باتوجه با ماهیت هر کدام از این مراحل فوق، در ادامه به توضیح اجمالی اقدامات صورت گرفته می پردازیم. آموزش محوری و پژوهش محوری از اقدامات صورت گرفته در مرحله سوم از مراحل ۸ گانه پیشرفت ایران است. تولید فناوری و تبدیل فناوری به ثروت نیز مربوط به مرحله چهارم از مراحل ۸ گانه است که آن را در جای خود توضیح خواهیم داد.

رشد علمی و ارتقای رتبه تولید علم: از ۵۲ به ۱۵

غربی ها از سرمایه گذاری روی علم بود که رشد کردند و البته بعد با سوء استفاده از علم، دنیا را غارت کردند. در دوره های قاجار و پهلوی ایران علم را جدی نگرفت که نتیجه آن وابستگی کامل بود. بعد از انقلاب رهبران ایران که این نکته مهم را فهمیده بودند از همان روزهای اول انقلاب برای بر طرف کردن این عقب ماندگی علمی تلاش کردند. در نگاه امام خمینی، علم و قدرت، دو روی یک سکه بودند، ایشان می فرمودند:

"اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب بیاموزد، جهت یابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی تواند بر

او حکومت کند. تمام کرفتاری هایی که ما در این طول مدت تاریخ داشتیم بهره برداری از جهالت مردم

بوده است."

امام خمینی در دی ماه ۸۸ یعنی کمتر از یک سال بعد از انقلاب فرمان تاسیس نهضت سواد آموزی را صادر کرد و اعلام کرد همه ایران باید مدرسه شود. نتیجه آن ریشه کن کردن بی سوادی در جامعه ای بود که ۷۰ درصد مردم آن سواد خواندن و نوشتن نداشتند.

از دهه ۷۰ رهبر انقلاب فرمان جنبش نرم افزاری و تولید علم را صادر کرد این عنوان دقیقاً با هدف تغییر ریل از «مصرف کنندگی علم» به «تولید دانش اصیل» انتخاب شد. ایشان معتقد بود علم در ایران نباید صرفاً ترجمه یا تقلید باشد، بلکه باید به مرحله ای برسیم که خودمان «قاعده و فرمول» تولید کنیم. نتیجه این نگاه را میتوان در گزارش مجله معتبر «نیو ساینتیست» (New Scientist) در سال ۲۰۱۰ مشاهده کرد. گزارشی که بر اساس داده های معتبر علمی منتشر شد و جهان را شگفت زده کرد: «در حالی که ایران زیر شدیدترین تحریم ها قرار داشت، دانشمندان این کشور رکوردی بی سابقه را ثبت کردند. تولیدات علمی در ایران ۱۱ برابر سریع تر از میانگین جهانی رشد کرده است؛ این سریع ترین نرخ رشد علمی در بین تمام کشورهای جهان محسوب می شود.»

سهم از مقالات برتر جهان: ۳ درصد (سه برابر سهم جمعیتی)

پژوهش گران و دانشمندان یکی از کلیدی ترین منابع زیست بوم دانش به شمار می آیند. شاخص پژوهش گران پر استناد یکی از شاخص های اساسی علم است که ابتدا توسط مؤسسه اطلاعات علم منتشر میشد. در حال حاضر کلاریویت انالیتیکس این شاخص ها را معرفی می کند و سالانه فهرستی از دانشمندان برتر در حوزه های علمی مختلف را منتشر می کند که مشتمل بر تأثیر گذارترین پژوهش گران در مرزهای دانش براساس تعداد استنادها است. گزارش سال ۲۰۱۸ این مؤسسه مقالات منتشر شده بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ را در ۲۱ حوزه موضوعی پوشش می دهد. مقاله های پر استناد مقالاتی هستند که بیشترین تعداد استناد را در حوزه های موضوعی خود داشته اند و در ۱ درصد نخست مقاله های پر استناد جای می گیرند. در میان دانشمندان معرفی شده در گزارش سال ۲۰۱۸، نام ۱۶ دانشمند از ایران به چشم می خورد. این در حالی است که در گزارش سال ۲۰۱۷ نام ۷ پژوهشگر ایرانی در این فهرست وجود داشت.

نقش رهبری

گفتمان سازی: ابداع کلیدواژه های جهاد علمی و نهضت نرم افزاری

این سرفصل در متن گذشته توضیح داده شد

ساختار شکنی: ابلاغ اسناد بالادستی و تأسیس نهادهای کلیدی مانند بنیاد ملی نخبگان

گام چهارم؛ تولید محصول فناورانه با رویکرد جایگزینی واردات

تجربه کشورهای دیگر

همان طور که گفته شد، یکی از هزینه های وابستگی آمریکا به بریتانیا، نفوذ روز افزون کالاهای وارداتی از انگلستان بود. آمریکایی ها که به شدت وابسته به واردات کالاهایی از قبیل منسوجات، فولاد، ماشین آلات فکش و مواد غذایی از انگلستان بودند، در صدد برآمدند تا پیشرفت علمی خود را در راستای کاهش وابستگی به واردات قرار دهند. لذا از نوآوری ها و اختراع محصولات که بتواند آنها را در تولیدات صنعتی خودکفا کند، حمایت می کردند. نتیجه این حمایت ها تولید محصولات فناورانه ای چون تلگراف، تلفن و فونوگراف در حوزه ارتباطات، لوکوموتیو بخار، اتومبیل و دوچرخه در حوزه حمل و نقل و چرخ خیاطی، چراغ روشنایی برقی، یخچال و... در حوزه صنعت بود که زمینه شکوفایی و خودکفایی در نیازمندی های مردم آمریکا شد.

این تولیدات هم چنین بازار صادراتی نیز پیدا کرد و تراز تجاری آمریکا را از حالت منفی به مثبت تبدیل کرد.

موارد پیشرفت در این گام

مقدمه

پس از طی مراحل اول و دوم از مراحل چهارگانه که در بخش قبل به آن اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از توان علمی و پژوهشی ایجاد شده به سمت تولید فناوری ها و خلق ثروت از این طریق پیش رفت. گفتنی است وارد شدن به مرحله سوم که تولید فناوری است، به معنی تکمیل مرحله دوم (پژوهش محوری) نمی باشد. چرا که مسیر پژوهش، مسیری طولانی است و باید تا رسیدن به مرجعیت کامل علمی در آن، به پیش برویم؛ اما درعین حال از توانمندی های علمی ایجاد شده در رشته های مختلف می توان فناوری های به روزی تولید کرده و به وسیله آنها خلق ثروت نمود.

دانشگاه فناور و تولید فناوری

* فضا: پرتاب ماهواره های بومی (از امید تا نور) و پیوستن به پروژه اکتشاف ماه (چانگ ۸)

* پزشکی بازساختی: تولد رویانا در موسسه رویان و ورود به باشگاه ۱۰ کشور برتر سلول های بنیادی

* سلامت: تولید واکسن بومی کوو-ایران-برکت (تایید شده با کارایی ۱۰۰٪ در مجله BMJ)

* نانوفناوری: صعود شگفت انگیز از رتبه ۵۸ به رتبه ۴ جهان

نقش رهبری

حمایت از پیشگامان: حمایت مالی و معنوی مستقیم از پژوهشگاه رویان در اوج ناباوری ها

افق گشایی: تعیین هدف برای ماهواره ها جهت رسیدن به مدار ۳۶ هزار کیلومتری (ژئو)

گام پنجم؛ حمایت از تولیدات داخلی و کاهش نا تراز تجاری

تجربه کشورهای دیگر

روحیه میهن پرستی مردم آمریکا از سال های منتهی به انقلاب باعث شده بود تا آنها از تولیدات داخلی خود در برابر واردات کالاهای بریتانیایی محافظت کنند؛ آنها با توصیه رهبران خود به کمپین نخریدن کالاهای انگلیسی پیوسته بودند، چرا که رهبران انقلاب آمریکا معتقد بودند عدم مصرف کالاهای انگلیسی توسط مردم آمریکا، باعث ذخیره پول مورد نیاز برای پرداخت بدهی های ناشی از تراز تجاری با بریتانیا می شود.

الکساندر همیلتون؛ آغازگر حمایت از تولیدات داخلی در آمریکا

الکساندر همیلتون نخستین سیاستمدار در آمریکا بود که سیاست های حمایت گرایانه را در این کشور تبیین و اجرا کرد. اولین اقدام او کنترل هوشمندانه واردات بود، از طرفی بر کالاهای وارداتی تعرفه اعمال کرد و حتی واردات برخی کالاها را نیز ممنوع کرد؛ اما برای بهره برداری از تکنولوژی کالاهای خارجی، واردات برخی کالاهای صنعتی را آزاد گذاشت؛ همچنین جهت ترغیب به تولید کالاهای پیشرفته، جوایزی برای اختراعات در نظر گرفت. او جهت افزایش صادرات کالاهای با کیفیت و با ارزش افزوده بالا، استاندارد ها و ضوابطی را برای برخورداری از حد اقل کیفیت لازم را تنظیم نمود. همچنین زیر ساخت های لازم برای حمل و نقل کالا را فراهم کرد.

تصویب قانون تعرفه بر واردات و افزایش آن طی سال های متمادی

نرخ تعرفه های گمرکی بر واردات کالاهای خارجی یکی از پارامتر های مهم در ارزیابی میزان توجه و اهتمام دولت ها به سیاست های حمایت گرایانه است. اولین قانون حمایت از تولید در آمریکا در سال ۱۷۸۹ میلادی تصویب شد و همه کالاهای وارداتی به جز برخی استثنائات، شامل تعرفه مستقیم ۵ درصدی قرار گرفتند. در سال ۱۷۹۲ تعرفه برخی کالاها افزایش بیشتری داشت اما هنوز با پیشنهادات همیلتون فاصله داشت؛ طی گذشت چند سال سطح تعرفه ها تا حدود ۱۲.۵ درصد رسیده بود اما در سال ۱۸۱۲ میلادی تمام تعرفه ها حدود دوبرابر شد و به ۲۵ درصد رسید. این تغییر عمده و ناگهانی در سال ۱۸۱۶ نیز رخ داد و سطح تعرفه تمام تولیدات حدود ۳۵ درصد شد و حتی در ادامه این روند، نرخ تعرفه ها در سال ۱۸۲۰ به حدود ۴۰ درصد رسید.

کاهش نرخ تعرفه ها و افت رشد اقتصادی

از سال ۱۸۳۳ میلادی قانونی در آمریکا تصویب شد، مبنی بر اینکه در دوره های ۱۰ ساله، مقدار تعرفه ها کاهش یابد. از این بابت در سال ۱۸۴۶ میلادی طبق قانون، برای ۵۱ مورد از کالاهای وارداتی تعرفه ای حدود ۲۷ درصد در نظر گرفته شد. نکته قابل توجه این است که از سال ۱۸۴۶ تا ۱۸۶۱ که شاهد کاهش سیاست های حمایت گرایانه هستیم، هیچ گونه مدرکی مبنی بر پیشرفت اقتصاد این کشور در این ایام وجود ندارد. حتی اگر آمار مربوط به تولید

نا خالص ملی در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۸۶۰ ارجوع کنیم، می‌بینیم که رشد این شاخص از ۲.۱ درصد به ۱.۷ درصد رسیده و این یعنی افت ۲۰ درصدی تولید نا خالص ملی در آن دوره.

سیر صعودی مجدد تعرفه‌ها با ورود آبراهام لینکلن، منجی بزرگ

با روی کار آمدن آبراهام لینکلن (بین سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۵) که آمریکایی‌ها او را با نام منجی بزرگ می‌شناسند، تعرفه‌ها مجدداً سیر صعودی گرفت و به اوج خودش یعنی بین ۴۰ الی ۵۰ درصد رسید. پیرو این سیاست لینکلن، آمریکا در این سال‌ها به پیشرفت‌های زیادی در تولیدات ملی، خصوصاً در صنایع فولاد، آهن و تجهیزات صنعتی رسید و نرخ رشد تولید نا خالص داخلی آن به شدت افزایش یافت.

موارد پیشرفت در این گام

در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران، هر کجا که دستاورد و نقطه عطفی در پیشرفت ایران و ایرانی دیده می‌شود، از برکات بومی‌سازی و ملی شدن آن بوده است؛ به علاوه که این نظام مقدس همواره مورد تهدید از سوی دشمنان و سنگ اندازی و ایجاد مانع برای پیشرفت بوده است؛ اما رسیدن به دستاورد ها با وجود موانع و تبدیل تهدید و بحران به فرصت از موارد پیشرفت در این گام بوده است. برای نمونه به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

چرخه سوخت هسته‌ای

بحران: بد عهدی غربی‌ها برای سوخت ۲۰ درصد رادیو داروها

ایران برای تامین سوخت راکتور تهران که رادیو ایزوتوپ های لازم برای حدود ۸۰۰ هزار بیمار سرطانی را تامین می‌کرد به غنی سازی تا سطح ۲۰ درصد نیاز داشت، به همین علت از اوایل سال ۲۰۰۹ ایران در پی آن بود که سوخت مورد نیاز راکتور تهران را از بازار آزاد خریداری کرده و یا آن را از طریق مبادله اورانیوم ۳/۵ درصد با سوخت ۲۰ درصد به دست آورد اما به دلایلی که باج خواهی غربی ها در راس آن قرار داشت، مذاکرات تامین سوخت راکتور تهران به هیچ نتیجه ای نرسید و ایران ناچار شد خود راساً اقدام به غنی سازی اورانیوم تا سطح ۲۰ درصد کند.

دبه کردن و کارشکنی دولت اول اوباما در مقابل تلاش ایران برای خرید و واردات سوخت ۲۰ درصد راکتور تهران، دلیل محکمی بر اهمیت بومی شدن تولید و تامین سوخت هسته ای در داخل کشور بود.

دستاورد: جهاد علمی شهید شهریار و تولید مستقل سوخت ۲۰ درصد

در بهمن ماه ۱۳۸۸ ایران از عزم خود برای تولید اورانیوم ۲۰ درصد خبر داده بود و دوربین‌های آژانس نیز چرخش سانتریفیوژها به منظور تولید اورانیوم با این غلظت را ثبت می‌کردند، اما کشورهای غربی با توجه به تعداد

کم سانتریفیوژها در نطنز و همچنین پیچیدگی غنی سازی ۲۰ درصد در مقیاس صنعتی، این موضوع را جدی نمی گرفتند.

با این حال ایران به فناوری غنی سازی ۲۰ درصد دست پیدا کرده بود. شهید شهریارى توانسته بود با اتصال دو آبشار ۱۶۴ سانتریفیوژى به یکدیگر (۳۲۸ سانتریفیوژ) و دستیابی به فرمول پیچیده تزریق اورانیوم ۵ درصد به اولین سانتریفیوژ این دستاورد را برای ایران به ارمغان آورد. دکتر شهریارى همچنین با پی بردن به فرمول ساخت صفحات سوخت که برای تبدیل شدن اورانیوم ۲۰ درصد به سوخت، وجود این صفحات لازم و ضرورى بود عملاً ایران را در تولید سوخت ۲۰ درصد خودکفا کرد.

این دانشمند هسته‌ای ۸ آذر سال ۱۳۸۹ توسط تیم‌های تروریستی وابسته به رژیم صهیونیستی ترور و به شهادت رسید.

انرژی و بنزین

بحران: وابستگی ۴۰ درصدی به واردات بنزین (پاشنه آشیل تحریم‌ها)

با وجود وابستگی کشور به واردات بنزین در سطح ۴۰ درصدی که تقریباً نیمی از نیاز کشور را شامل می‌شد، عملاً با اعمال و اجرای تحریم‌ها علیه ایران، کشور دچار بحران در حوزه تامین و واردات بنزین بود.

دستاورد: ابرپروژه ستاره خلیج فارس؛ تولید ۶۰ میلیون لیتر در روز و تبدیل شدن به صادر کننده:

شرکت نفت ستاره خلیج فارس در سال ۱۳۸۵ با هدف طراحی، مدیریت، تامین منابع مالی، احداث، بهره برداری، تعمیر و نگهداری از پالایشگاه میعانات گازی به ثبت رسید. این پالایشگاه مدرن ترین پالایشگاه خاورمیانه است که با مساحت ۷۳۰ هکتار در ۲۵ کیلومتری غرب بندرعباس واقع شده است. تامین خوراک ستاره خلیج فارس توسط خط لوله ای به طول ۳۸۸ کیلومتر و به قطر ۳۶ اینچ با ظرفیت دریافت ۸۴۰ هزار بشکه در روز صورت می‌پذیرد که این خط لوله با پیمایش استان‌های بوشهر، فارس و هرمزگان از مسیری صعب العبور می‌گذرد. ابرپالایشگاه ستاره خلیج فارس به منظور حفظ و استمرار عملیات برداشت گاز از میدان مشترک پارس جنوبی و کاهش آلاینده های زیست محیطی و تامین فرآورده‌های استراتژیک انرژی مانند بنزین و نفت گاز ایجاد شده و فرآورده هایی همچون گاز مایع و انواع نفتا و حلال ها را تولید می‌کند. پس از افتتاح فاز سه پالایشگاه ستاره خلیج فارس و تثبیت تولید بنزین، فرآیند افزایش ظرفیت آغاز شد و توان تولید بنزین این پالایشگاه به ۴۳ میلیون لیتر در روز با استاندارد یورو ۵ و تولید گازوئیل به ۱۶ میلیون لیتر رسیده است که سهم بالای ۴۰ درصدی این پالایشگاه در تولید بنزین کشور را اثبات می‌کند. افزایش یافت که سهم عمده ای در تامین بنزین کشور را به خود اختصاص داده است. با اجرای طرح افزایش ظرفیت تولید پالایشگاه اکنون شاهد افزایش بیش از ۹۰ هزار بشکه ای تزریق خوراک از ۳۶۰ به ۴۵۰ هزار بشکه میعانات گازی هستیم و این مساله نقشی اساسی در تامین خوراک پتروشیمی های کشور خواهد

داشت. ستاره خلیج فارس به عنوان بزرگترین پالایشگاه میعانات گازی جهان هم اکنون جایگاهی استراتژیک در توازن انرژی کشور و عنوان دار نخستین صادرکننده بنزین ایران است.

نقش رهبری

فرمان راهبردی: دستور رسیدن به ظرفیت ۱۹۰ هزار سو برای استقلال کامل

رهبر شهید در سال ۱۳۹۷، در سخنرانی مراسم سالگرد رحلت امام رحمت‌الله‌علیه، خطاب به معاون رئیس جمهور دستور دادند تا مقدمات رسیدن به ۱۹۰ هزار سو فراهم شود. (سو، واحد توانایی دستگاه غنی‌سازی برای جداسازی ایزوتوپ‌های اورانیوم است)

چرا گفته می‌شود برای «استقلال کامل» به چنین ظرفیتی نیاز است؟

از نظر فنی (بدون بار سیاسی):

کشوری که بخواهد سوخت یک نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی مثل بوشهر را خودش تأمین کند، به ظرفیت صنعتی بزرگی نیاز دارد. محاسبات هسته‌ای نشان می‌دهد:

• سوخت سالانه نیروگاه بوشهر ~ حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار سو

(بسته به طراحی، درصد غنی‌سازی و بازده)

پس ۱۹۰ هزار سو یک عدد صنعتی است که:

- هم تأمین سوخت داخلی را پوشش می‌دهد
- هم برای ذخیره استراتژیک لازم است
- هم نشان‌دهنده یک توان مستقل کامل در چرخه سوخت هسته‌ای است

الگوسازی عملی: تزریق علنی واکسن داخلی برای جلب اعتماد عمومی به تولید ملی.

گام ششم؛ مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها

تجربه کشورهای دیگر

آمریکا برای حمایت از تولید داخلی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های دولتی بود که این مسئله بر هزینه‌های دولت در جنگ‌های خارجی افزوده بود. در نتیجه افزایش هزینه‌ها و کسری بودجه، مشکلات متعددی برای اقتصاد ایالات متحده و نارضایتی مردم به وجود آمد، این بهانه‌ای بود تا کسانی که مخالف سیاست حمایت از تولید داخلی بودند، دست به اعتراض بزنند؛ ایالات جنوبی که به امید صنعتی شدن با دولت همراهی کرده بودند، حال به دلیل مزیت

نسبی کشاورزی نسبت به ایالات شمالی، به دنبال بازگشت تجارت با انگلیس بودند، چرا که کالاهای ارزان تر و با کیفیت تری را می توانستند وارد کنند. اما ایالات شمالی که این مزیت را نداشتند، تنها راه نجات خود را، ادامه انقلاب و حمایت از صنایع داخلی می دیدند.

با تحریک ایالات جنوبی توسط بریتانیا، جنگ داخلی با ایالات شمالی به راه افتاد و آمریکا در سال ۱۸۶۱ دچار جنگ داخلی خونین ۴ ساله شد. از آنجا که تامین هزینه های جنگ برای ایالات متحده کار دشواری بود، مجبور به چاپ پول بدون پشتوانه شدند که این امر باعث شد حجم نقدینگی در کشور افزایش پیدا کرده و تورم اوج بگیرد؛ به طوری که قیمت کالاها در عرض ۴ سال جنگ ۲ برابر شده بود.

پس از پیروزی ایالات شمالی در جنگ داخلی و حفظ انسجام داخلی در سال ۱۸۶۵، کنگره آمریکا دستور داد تا همه پول های کاغذی را جمع و با سکه و نقره جایگزین کنند. همچنین در سال ۱۹۰۰ نیز دولت آمریکا تصمیم گرفت برای کنترل چاپ و میزان عرضه پول، چاپ پول را بر اساس استاندارد میزان ذخایر طلای کشور انجام دهد و در پی همین امر، نهادی در رابطه با نظارت بر چاپ پول تاسیس شد. تاسیس مراکز مالی و بازار سهام نیز از دیگر اقدامات آمریکا برای ساماندهی به نظام پولی و تامین سرمایه مورد نیاز برای توسعه بود.

موارد پیشرفت در این گام

ایران نیز در ششمین مرحله از هشت مرحله ابر قدرتی، باید ساختارهای اقتصادی خود را اصلاح کند و تغییر دهد، یعنی قطع وابسته بودن بودجه به نفت و مدیریت نقدینگی در کشور. این جراحی اقتصادی هرچند برای مدتی اقتصاد را با تورم مواجه کرده و سختی به دنبال دارد اما با ثمره دادن این اصلاح ساختاری و تغییر، شاهد کاهش تورم و عدم رشد و هدایت نقدینگی می شویم که این امر ثبات اقتصادی کشور و حفظ ارزش پول ملی را تقویت می کند.

به عبارت بهتر، دوران سخت پیشرفت، عارضه طبیعی اصلاح ساختارهای معیوب به جا مانده از گذشته است و کلید حل مشکلات مزمن (تورم و کاهش ارزش پول)، تنها در جهش تولیدات داخلی است.

درس عبرت آرژانتین:

لازم است دانسته شود که در بین نهادهای جهانی، نهادی یا نام صندوق بین المللی پول وجود دارد که به کشور هایی که دچار بحران ارزی و کسری تراز پرداخت ها یا فشار مالی شده اند، وام های کلان می دهد تا اقتصادشان را موقتاً سرپا نگه دارند. این وام ها در ازای انجام اصلاحات دستوری اقتصادی است که ممکن است شامل کنترل کسری بودجه، کاهش رایانه ها اصلاح نرخ ارز، انضباط مالی و شفاف سازی اقتصادی باشد. این اصلاحات دستوری که در قبال وام های کلان از کشور وام گیرنده خواسته می شود، گاهی باعث فشار بر مردم، گرانی، کاهش یارانه ها و وابستگی بیشتر اقتصادی و سرعت بخشی به فروپاشی می شود.

این نوع وام‌ها فقط پول نیست بلکه به همراه آن شرط‌های اقتصادی نیز وجود دارد که کشور وام‌گیرنده مجبور به اجرای آنها است. وام‌های IMF به عنوان نشانه وابستگی یا نشانه ضعف اقتصادی دیده می‌شوند.
درباره IMF:

IMF یک نهاد مالی بین‌المللی است که به کشورها در شرایط بحران اقتصادی وام می‌دهد، اما وام‌ها معمولاً مشروط هستند. بسیاری از افراد و جریان‌ها—در کشورهای مختلف—با وام گرفتن از آن مخالفت می‌کنند چون اعتقاد دارند این وام‌ها:

_ استقلال اقتصادی را محدود می‌کند

_ فشار مالی بر مردم می‌آورد

_ اقتصاد را بدهکار و وابسته می‌کند

آرژانتین، یکی از کشورهایی است که وام‌های IMF را جهت جبران کسری بودجه کشور خود درخواست کرد، لکن خصوصی‌سازی دستوری به تورم، باعث عدم توانایی پرداخت وام به صندوق و افتادن در تله بدهی و در نهایت فرو پاشی اقتصادی این کشور شد.

نقش رهبری

ممانعت راهبردی: ایستادگی قاطع در برابر دریافت وام از نهادهای بین‌المللی (IMF) و جلوگیری از ورود کشور به تله بدهی.

نام گذاری سال‌ها: تمرکز مداوم و ده ساله بر روی تولید و اقتصاد دانش‌بنیان

گام هفتم: صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی

تجربه کشورهای دیگر

در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ میلادی تولید کالا در ایالات متحده رشد قابل توجهی پیدا کرده بود. افزایش عرضه کالا و نبودن تقاضای کافی برای آن، از قیمت کالاها در کشور کاسته و سود تولیدکنندگان را با چالش مواجه ساخته بود. بدین ترتیب ایالات متحده دچار رکود در تولید شد. لذا به دنبال راهی برای فروش کالاهای تولید شده توسط صنایع افتاد. در این مرحله ایالات متحده نیز مانند سایر کشورهای استعمارگر، به دنبال تصرف بازار دیگر کشورها افتاد. ابتدا با استفاده از افول قدرت اسپانیا، پرتغال، هلند و انگلستان در قاره آمریکا به سراغ بازار کشورهای آمریکای لاتین مانند مکزیک، کوبا و هاوایی رفت. سپس با تکیه به نیروی دریایی پیشرفته، حوزه نفوذ خود را به شرق آسیا و کشورهای فیلیپین و حتی ژاپن رساند.

همانند بریتانیا، یکی دیگر از ابزارهای آمریکا برای نفوذ به بازارهای جهانی، ترویج معاهدات تجارت آزاد بود. آمریکایی‌ها که با پیشرفت صنعتی خود به تولید کالاهای با قیمت پایین‌تر، کیفیت بالاتر و نوآوری بیشتر دست پیدا کرده بودند، تعرفه‌های گمرکی خود را در دوره وودرو ویلسون پایین آورده و دیگر کشورها را به تجارت بدون تعرفه با خود تشویق می‌کردند. بدین ترتیب بازار، برای کالاهای آمریکایی فراهم شد و ایالات متحده در دهه ۱۸۹۰ میلادی از حیث میزان تولیدات صنعتی از بریتانیا سبقت گرفت.

موارد پیشرفت در این گام

خروج از بازارهای محدود داخلی و فتح بازارهای منطقه‌ای و جهانی

این رویکرد به معنای فراتر رفتن از اتکای صرف به تقاضای داخلی و تلاش برای حضور فعال در بازارهای کشورهای همسایه، منطقه و در نهایت بازارهای بین‌المللی است. چنین اقدامی می‌تواند موجب افزایش درآمدهای ارزی، ارتقای آنها شود.

تغییر سبد صادراتی از مواد خام به محصولات دانش بنیان با ارزش افزوده بالا

منظور از این سیاست، حرکت از صادرات منابع و مواد اولیه به سمت تولید و صدور کالاها و خدماتی است که بر پایه دانش، فناوری و نوآوری شکل گرفته‌اند. محصولات دانش بنیان به دلیل برخورداری از ارزش افزوده بیشتر، علاوه بر سودآوری بالاتر، زمینه‌ساز توسعه صنعتی، ارتقای فناوری و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی نیز هستند.

صدور خدمات فنی و مهندسی

این بخش به ارائه توانمندی‌های تخصصی کشور در حوزه‌هایی مانند طراحی، ساخت، اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی و صنعتی در خارج از مرزها اشاره دارد. اجرای پروژه‌هایی نظیر ساخت پالایشگاه، نیروگاه، سد و زیرساخت‌های حمل‌ونقل در کشورهای نیازمند، علاوه بر ایجاد درآمد ارزی، به تقویت جایگاه فنی و مهندسی کشور در عرصه بین‌المللی نیز منجر می‌شود.

نقش رهبری

تغییر رویکرد: هدایت زیست‌بوم نوآوری و دستگاه دیپلماسی برای بازاریابی جهانی
دیپلماسی اقتصادی: تاکید بر استفاده از همسایگان و پیمان‌های راهبردی جدید.

گام هشتم: ارز ذخیره جهانی و سهم بالا از تجارت جهانی

تجربه کشورهای دیگر

آمریکا در دهه ۱۹۲۰ میلادی و پس از جنگ جهانی اول، به دلیل سهم بالای این کشور از تجارت جهانی، اکثر معاملات جهان با دلار آمریکا انجام می‌گرفت و عملاً دلار آمریکا پیشرو در تجارت جهانی بود. اما پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم و رسیدن آمریکا به اوج قدرت سیاسی و اقتصادی، کشورهای اروپایی ذخایر طلای خود را به آمریکا سپرده و تصمیم بر تجارت با دلار متکی به ذخایر طلا کردند. این معاهده که به عنوان برتون وودز معروف است، در سال ۱۹۴۴ میلادی انجام گرفت و بدین ترتیب دلار آمریکا رسماً به عنوان ارز رایج تجارت جهانی اعلام شد.

موارد پیشرفت در این گام

قله نهایی ابرقدرتی: تبدیل شدن ارز ملی به ارز ذخیره جهانی

این راهبرد به معنای گذر از مقام «ارز ملی» به جایگاه «ارز بین‌المللی ذخیره» است. در این حالت، بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف و نهادهای مالی جهانی، بخش قابل‌توجهی از ذخایر ارزی خود را به این ارز نگهداری می‌کنند. چنین مقامی، قدرت اقتصادی و سیاسی کشور را در عرصه جهانی به‌طور چشم‌گیری تقویت می‌کند و باعث تسهیل مبادلات بین‌المللی، کاهش هزینه‌های ارزی و افزایش نفوذ در نظام مالی جهانی می‌گردد.

پایان کامل وابستگی مالی در نظم نوین جهانی و ایمنی مطلق در برابر جنگ‌های ارزی

این هدف به معنای دستیابی به «استقلال مالی» کامل در بستر تحولات جدید نظام جهانی است. در این وضعیت، کشور از تأثیرپذیری بر تصمیمات سیاسی یا تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و ناتو، و همچنین از مکانیسم‌های جنگ‌های ارزی و نوسانات غیرمنطقی نرخ ارز در بازارهای جهانی در امان خواهد بود. چنین وضعیتی، امنیت اقتصادی بلندمدت را فراهم کرده و امکان برنامه‌ریزی مستقل و پویا برای توسعه اقتصادی را بدون دغدغه‌های بیرونی تأمین می‌کند.

نقش رهبری

چشم‌انداز ۵۰ ساله: باید جوری حرکت کنیم که ۵۰ سال بعد، هر کس خواست حرف علمی نو بشنود، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد.

استغناء کامل: تبدیل ایران به الگوی موفق و مستقل که نظام سلطه را تا به همیشه به چالش می‌کشد.

